



دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران

SECOND CONGRESS OF
THE HISTORY OF IRANIAN ARCHITECTURE AND URBANISM

BAM CITADEL
KERMAN-IRAN
APRIL 14-18 1999

ارک بام
کرمان - ایران
۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸



۱۱۸

مجموعه مقالات (جلد دوم)



تحولات معمار و شهرسازی در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۱۳۹۹ ش

کامران صفامنش، بهروز منادی زاده

۱- زمینه سیاسی فرهنگی تحقق معماری

معماری در مفهوم وسیع آن، از بعضی جهات فرآیندی ویژه است. نخست اینکه پدیده‌ای بسیار فراگیر است که همه طبقات و اقشار اجتماعی هم در تولید و هم در مصرف آن شرکت می‌کنند. دوم اینکه به عنوان یک پدیده اجتماعی هم تابع شرایط فرهنگی جامعه است، و از دگرگونیهای فرهنگی جامعه متأثر می‌شود، هم از شرایط و تواناییهای فنی و علمی و هم از مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر نحوه تولید و مالکیت. نمونه جالب و قابل مطالعه‌ای از این فرآیند و تحول همه جانبه و پرماجرایی آن را در سرگذشتی می‌توان دید که در یکصد و پنجاه سال اخیر بر معماری ایران گذشته است.

این دوران به مقاطع زمانی مختلفی قابل تقسیم خواهد بود که با نقاط عطف معینی که در آن محتوای فرهنگی سیاسی جامعه تغییر اساسی کرده است از یکدیگر جدا شده‌اند، همچون تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران، سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا، استقرار مشروطیت، سقوط قاجاریه و به روی کار آمدن پهلوی، رسیدن آتش جنگ جهانی دوم به ایران، کودتای ۱۳۳۲ ش، سقوط نظام پادشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی.

هدف این مقاله آن است که تحولات معماری و شهرسازی را با نگاهی به تحولات دوران یکصد و پنجاه ساله، و بطور مشخص‌تر در یکی از برهه‌ها، یعنی در فاصله سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ شمسی، که کم و بیش منطبق بر دوران استقرار نظام مدنی نوین در ایران است، از حیث چهارچوب سیاسی و فرهنگی شخصیت‌هایی که در آن مؤثر بودند مورد بررسی قرار دهد.

دوره مورد بررسی ما را می‌توان همچون مقطع اجرا و اقدام ارزیابی کرد. هرچند زمینه قانونی و سیاسی شکل‌گیری جامعه مدنی نوین با انقلاب مشروطیت فراهم شد، ولی در دوره احمد شاه حاکمیت سیاسی مقتدر و باثباتی برای پی‌گیری مؤثر آن وجود نداشت. پس اجرای کار تا زمان کودتای نظامی ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م، و انحلال سلطنت قاجاریه در ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م به تعویق افتاد.

در دوره پهلوی اول بسیاری چهارچوبهای قانونی برای ایجاد سازمانها و نهادهای جدید یا برای کنترل و هدایت روند فعالیتهای اجتماعی در جامعه شهری تدوین گردید و همراه با آن کالبد شهر به تدریج برای پذیرش این مؤسسات و فرآیندهای اجتماعی ملازم با آن سازمان داده شد.

در مورد روند تحقق عمران شهری و ساخت و سازهای بزرگ که خارج از مرز مالکیت خصوصی قرار داشتند، هم نحوه مدیریت سیاسی، هم نحوه تأمین منابع مالی، هم اندیشه و بنیان فرهنگی و ایدئولوژیک توسعه و عمران شهری، و هم روند فنی و اجرایی طرحهای شهری و پروژههای ساختمانی به کلی تغییر کرد. زمینه همه این دگرگونیها با مشروطیت فراهم شد.

پیش از مشروطیت مدیریت سیاسی توسعه و عمران شهری در عرصه مالکیتهای غیرخصوصی، یا به وسیله دستگاه حکومتی و دیوانی انجام می شد، و یا از سرمایه بانیان خیر، که در مورد اخیر نگهداری آن بر طبق مکانیزم وقف و اغلب زیر نظر دستگاه مدیریت مذهبی قرار می گرفت.

با انقلاب مشروطیت زمینه دگرگونی چهارچوبهای عرفی و حقوقی در کلیه شئون اجتماعی، از جمله در فرآیند طراحی و عمران شهری و اختصاص منابع مالی و هزینههای نگهداری و در نهایت در فرآیند عمران و توسعه فراهم شد.

در فرآیند عمران، بخصوص در مقیاس کلان، مهمترین وجه این تغییر در نظام و سلسله مراتب و نحوه تصمیم گیری سیاسی و مالی رخ داد. یعنی آنکه عاملان و تصمیم گیرندگان حقیقی و حقوقی مؤثر در فرآیند عمران و توسعه، بنا به منصب و موقعیت سیاسی شان، تغییر کردند، که این امر به نوبه خود، بر حسب استقرار نظام پارلمانی و اصل تفکیک سه قوا به جای سیستم سلطنت مطلقه، از تغییری که در عمق نظام سیاسی حاکم به وقوع پیوست ناشی می شد. از این پس اصل کلی آن بود که چهارچوب سیاسی عمران و توسعه و مکانیزمهای قانونی و مالی اجرای آن به وسیله قوه مقننه یعنی مجلس، تعیین گردد و به وسیله دولت، به عنوان تجلی قوه مجریه، به مورد اجرا درآید هر چند این فرآیند کلی پس از کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م در دوره پهلوی اول تا حد زیادی تحت تأثیر روحیه نظامی حکومت و شخص شاه که اصلاً فردی نظامی بود قرار داشت، ولی نادرست خواهد بود اگر نقش رضاشاه را در مدرنیزه شدن جنبه های گوناگون فرآیند توسعه و عمران فراتر از چیزی تصور کنیم که بر اثر نظام حکومتی جدید پس از مشروطه استقرار یافته بود.

فرآیند توسعه و عمران شهری در حوزه اجرایی برعهده وزارتخانه ها و سازمانهای مختلفی قرار گرفت که با گذشت زمان، توسعه و تعدد بیشتری یافتند و جنبه تخصصی به خود گرفتند.

مهمترین سازمانی که برای هدایت نظام توسعه و عمران و مدیریت شهری پدید آمد بلدیة (شهرداری) بود که به علت اهمیت آن در جای خود با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گذشته از بلدیة سازمانهای دیگری مانند نظمیة، اطفائیة، خیریه و اداره میاه (ناظر بر وضع آب شهر) وابسته به بلدیة، شعبه تأمین عبور و مرور (راهنمایی و رانندگی) وابسته به نظمیة به وجود آمد.

تأسیس وزارتخانه‌ها و ادارات وابسته به آنها، نهادهای آموزشی، بانکها، هتلها، نهادهای فرهنگی، مراکز ورزشی، کارخانه‌ها، تأسیسات نظامی و انتظامی و تأسیسات نوین مربوط به حمل و نقل و خدمات وابسته به آن نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم قالب عمران و توسعه شهری، و هم کیفیت و محتوای آن را دگرگون کرد. در این مورد نیز هم الگوی توسعه و ساخت و ساز و هم روشهایی که باید آن را فراهم می‌کرد، از اروپا که سرمشق جامعه مدنی نوین بود برگرفته شد. مکان همه این نهادها و سازمانهای جدید و فرآیندهایی که هر یک مسئول آن بودند شهر نوین، و محتوای آن شهرنشینی نوین بود و این هر دو باید ساخته می‌شد.

۲- طرحهای شهری بزرگ در دوران پیش از مشروطه

در ایران سابقه شهرسازی براساس طرح از پیش اندیشیده به پیش از اسلام می‌رسد. در دوره اسلامی نیز شهرهای متعددی می‌توان یافت که در دوره‌ای معین، ساختار فضایی کلانی براساس یک طرح از پیش اندیشیده در پیکر آنها نهاده شده و ساختارهای فضایی خردتر در طول زمان در درون و اطراف آن شکل گرفته و به اصطلاح آن را پر کرده است. اصفهان دوره صفوی برجسته‌ترین نمونه این گونه شهرها است.

این ساختار کلان اشکال گوناگونی ممکن است داشته باشد. حصاری که بر گرد شهرها کشیده می‌شد، ارگ حکومتی در داخل شهرها که مانند شهری کوچک در درون شهر بزرگتر ساخته می‌شد و در نقاط اتصال این دو، انواع فضاها و ساختمانهای شهری و ساختمانهای بزرگ عمومی بر طبق یک نظام سلسله مراتبی معین ساخته می‌شد، بازار و فضاها و وابسته به آن مانند یک ستون فقرات در درون شهر قرار می‌گرفت، از جمله ساختارهای کلان شهر بودند. ویژگی همه ساختارهای فضایی کلان که یک باره ساخته شده باشند آن است که دارای طرحی از پیش اندیشیده باشند. حال چه این طرح قبلاً بر روی کاغذ ترسیم شده باشد، یا صرفاً به شکل یک انگاره جمعی بر لوح ذهن طراحی ظاهر شود

که بصورت یک عمل جمعی سازندگان بسیاری را در به اجرا در آوردن طرحهای بزرگ راهبری کند. دیگر ویژگی ساختارهای فضایی کلان آن است که به علت بزرگی مقیاسشان تصمیم‌گیری در مورد ساختن آنها و تأمین منابع مالی برای این امر در حدود اختیار قدرت حکومت قرار دارد. از این رو این گونه تصمیم‌ها غالباً بعدی سیاسی دارند. به همین دلیل در قدیم غالباً نام شاه یا وزیر بزرگ به عنوان سازنده یا بانی با این گونه ساخت و سازها همراه بوده است. جالب توجه است که در شهرسازی ایرانی همان نظام سلسله مراتبی را که در درجات و مناصب اجتماعی افراد وجود داشت در نحوه شکل‌گیری ساختار فضایی شهر نیز مشاهده می‌کنیم. چنانکه ساختارهای فضایی یا تأسیسات شهری بسیار عمده مانند حصار شهر، ارگ، بازار بزرگ، تأسیسات نظامی و راههای بین شهری، قنات اصلی شهر و غیره به تصمیم حکومت، یعنی شاه (در پایتخت) و حکام (در ولایات) ساخته می‌شد، ساختارهای میانه مانند شاخه‌ای از بازار، سرایی بزرگ، مسجد، مدرسه، دارالشفاء، قنات، تکیه و غیره به وسیله وزیر یا رجال یا تجار عمده ایجاد می‌شد، و به همین ترتیب بانی ساختمانها و ساختارهای کوچکتر افرادی با موقعیت و منصب متناسب با مقیاس آنها بودند.

۳- نقش معماران و طراحان در دوره پیش از مشروطه

طراحی و اجرای طرحهای عمرانی با معمارها و بناها بود و در این امر نیز سلسله مراتبی برقرار بود. طرحهای بزرگتر و مفصل‌تر به وسیله معمارهای با تجربه‌تر و ورزیده‌تر و خلاق‌تر ساخته می‌شد. دربار و دیوان گروهی از زبده‌ترین معماران را در اختیار داشت و بناخانه یکی از توابع دربار بود که یکی از معمارهای وابسته به دربار با عنوان معمار باشی به عنوان مسئول بناخانه در رأس آن قرار می‌گرفت.

نام بعضی از معمارهای معروف دوره قاجاریه در منابع گوناگون به یادگار مانده است. حاج میرزا جعفرخان معمار مشهور عهد فتحعلیشاه بود که تا اوایل دوره ناصری نیز زیست. پدر وی استاد غلامرضا تبریزی بود که با خاندان زند خویشی داشت و حصار و خندق ارگ تهران را به امر کریم خان زند ایجاد کرد. عبدالله خان معمار باشی کسی بود که در سال ۱۲۶۷ ق / ۱۸۵۰ م به دستور امیرکبیر قلعه ارگ را تجدید عمارت کرد و کوچه‌های آن را برای حرکت کالسکه شوسه کرد. محمد تقی خان معمار باشی معمار دیگری از اوایل دوره ناصری که مدرسه دارالفنون به توسط وی و به طراحی میرزارضا مهندس باشی ساخته شد.

اما این معمارها و دیگر حرفه‌مندان مانند نقاش، سنگ‌تراش، نجار، کاشی‌کار، گچ‌بر، آینه‌کار و

غیره که در تولید ساختمان شرکت می‌کردند بیش از آنکه به مفهوم امروزی همچون هنرمندانی خلاق تلقی شوند صرفاً پیشه‌ور و صنعتگر تلقی می‌شدند. از این رو حتی در مورد بناهای بسیار مهم کمتر اتفاق افتاده است که نام معمار و سازنده اصلی بر روی ساختمان یا در منابع مکتوب ثبت شده و در یاد مانده باشد.

در طرحهای مختلف، هدایت و کنترل طرح که به تدریج و در حین ساخت شکل می‌گرفت و ابتکار طراحی و نقش‌آفرینی در بنا با معمار بود و از آنجا که معمار و کارفرما جهان ذهنی مشترکی در مورد الگوهای معماری داشتند عدم توافقی در مورد کلیات ظاهری بنا حاصل نمی‌شد. اما از اوایل دوره ناصری نقش معمارها به تدریج تغییر کرد. از یک طرف در معماری کاخهای درباری و بناهای اعیان و رجال گرایش به شبیه‌سازی به الگوهای بناهای فرنگستان پیدا شد که معمارهای ایرانی شناختی درباره آن نداشتند، و از طرف دیگر به تدریج پای مهندسان طراح به میان کشیده شد که خود در اجرای ساختمان مستقیماً شرکت نمی‌کردند. بدین ترتیب نقش معمارها و دیگر سازندگان مثل گچ‌برها به مقلد و مجری شبیه‌طرحهای فرنگی یا طرحهایی که توسط مهندسان داده می‌شد تغییر کرد.

به موازات کاهش نقش معمارها در امر طراحی در دوره ناصری و پس از آن تا پایان قاجاریه نقش و اهمیت مهندسان طراح در ساخت و ایجاد بناها افزایش یافت. بخش اعظم این گروه، مهندسان اروپایی بودند که در آن دوره به دلایل گوناگون در تهران اقامت داشتند. اما در میان تعداد کثیر مهندسان اروپایی به چند تنی مهندسان ایرانی نیز بر می‌خوریم. نخستین مهندس ایرانی که ساختمانی به طراحی و نظارت وی در تهران ساخته شد میرزارضا مهندس‌باشی، یکی از پنج محصلی است که در زمان فتحعلیشاه توسط عباس میرزا نایب‌السلطنه برای آموختن فنون مهندسی نظام و قلعه‌سازی به انگلستان فرستاده شد و در مدرسه نظامی وولویج تحصیل کرد و به مناسبت رشته تخصصی خویش با معماری و فن ساختمان آشنایی داشت. به همین علت امیرکبیر وی را مأمور طراحی و سرپرستی ساخت مدرسه دارالفنون کرد. بنابراین دارالفنون را باید اولین ساختمان، یا یکی از اولین ساختمانهایی در تهران دانست که ساخته شدن آن حاصل همکاری یک مهندس طراح دانشگاه دیده با یک معمار سنتی (محمدتقی خان معمارباشی) بوده است.

تأسیس دارالفنون خود سرچشمه‌ای شد برای ترویج فنون و روشهای ساختمان‌سازی جدید از هفت استاد اروپایی که در بدو گشایش دارالفنون در آن به تدریس پرداختند چهار تن در زمینه‌های مختلف علوم نظامی و یک تن در معدن‌شناسی تخصص داشتند. بنابراین علومی که تدریس می‌شد

با هندسه، نقشه‌برداری، نقشه‌کشی و نحوه طراحی برخی از تأسیسات و بناهای نظامی ارتباط داشت و استادان مزبور خود با فنون مهندسی و ساختمان‌سازی آشنا بودند. این متخصصین نه تنها به طرق گوناگون در طراحی و ساخت بناهای جدید مورد مشاوره قرار می‌گرفتند، بلکه با آموزش دادن دانش‌آموزان ایرانی فنون و روشهای اروپایی و به خصوص نقشه‌کشی را در ساختمان‌سازی اشاعه دادند.

در دوره ناصری باگذشت زمان و افزایش مؤسسات و تشکیلات اروپایی‌ها در تهران تعداد مهندسان فرنگی نیز بیشتر شد. مهندسانی که وابسته به سفارتها بودند از آن جمله‌اند. مثلاً می‌دانیم که در حدود سال ۱۲۷۴ ق / ۱۸۶۷ م، مشاور سفارت انگلیس، مهندس فرانسوی به نام بووانیه بوده و ساختمان جدید سفارت انگلیس در حومه شهر بر طبق نقشه‌هایی که توسط مهندسان انگلیسی طراحی شده بود ساخته شد. افزون بر آن، طراحی خیابانهای اطراف سفارتخانه جدید و محوطه آن با دقت توسط مهندس بهلر به راهنمایی افسر مهندس سفارت انجام شد. طرح دیوارهای جدید دارالخلافه ناصری نیز براساس نوعی سیستم قلعه سازی فرانسوی توسط وی تهیه شد. پیرسن انگلیسی و کاستگر اتریشی از مهندسان دیگری هستند که در این دوره در تهران بوده‌اند.

از میان مهندسان ایرانی این دوره میرزامهدی خان ممتحن الدوله شقاقی شخصیتی مهم است. وی نخستین ایرانی بود که در فرانسه در رشته راه و پل سازی (*) و رشته معماری (***) دیپلم مهندسی گرفت، و در حدود سال ۱۲۸۴ ق / ۱۸۶۷ م مقارن با پاگرفتن نهضتی که در زمینه ساختمان سازی و شهرسازی به روش جدید در تهران برخاسته بود به ایران بازگشت. وی در طراحی و ساخت بسیاری از بناهای دوره ناصری و مظفری از جمله عمارت بهارستان، عمارت مسکونی معتمدالسلطنه، عمارت مسکونی سیدعبدالله پسر میرزاموسی وزیر تهران، پله‌های عمارت محمودخان ناصرالملک واقع در محله پامنار «به طرز فرنگی شبیه به راه پله‌های قصر سلطنتی باکینگهام لندن»، عمارت میرزاجواد خان سعدالدوله، عمارت میرزاسعید خان مؤتمن‌الملک و عمارت پارک اتابک دخالت داشته است. میرزا نظام‌الدین خان مهندس الممالک غفاری و حاجی عبدالغفار خان نجم‌الملک (بعدها نجم‌الدوله) نیز از مهندسان معروف دوره ناصری به شمار می‌روند. جز اینها در منابع دوره ناصری و پس از آن به تعداد زیادی ایرانیان کم آوازه‌تر با عنوان «مهندس» اشاره شده است، که بیشتر آنها فارغ‌التحصیل دارالفنون بودند.

با افزون شدن نقش مهندسان طراح و رواج سلیقه‌های جدید، بعضی از معماران سنتی فهیم و برجسته در تلفیق اصول معماری ایرانی با روحیه‌ها و روشهای فرنگی مآبانه به موفقیتی نسبی دست

یافته‌اند. بناهایی مانند شمس العماره ساخته شده به وسیله استاد علی محمد کاشی و تکیه دولت، هر دو به مباشرت معیرالممالک، تالار سلام و تالار آینه ساخته شده به وسیله حاج ابوالحسن معمارباشی، ملقب به صنیع‌الملک به مباشرت یحیی خان معتمدالملک نمونه‌هایی از این گونه بناهای موفق هستند. می‌دانیم که معیرالممالک و معتمدالملک مذکور هر دو از رجال فرنگی مآب دوره ناصری بودند و مسلماً در القائنات اروپایی در معماری این ساختمانها مؤثر بوده‌اند، ولی بی‌تردید اعتبار جنبه‌های خلاقیتی که در ترکیب اصول ایرانی و فرنگی در این بناها به کار رفته مربوط به معمارهای سازنده آنها است.

جالب توجه است که در دوره قاجاریه در بناهایی که عمده ابتکار طراحی در ترکیب فرم و ساخت در آنها با معماران سنتی بوده کمتر نامی از استاد معمار به میان آورده شده و در عوض نام مباشر و یا ناظر ساختمان یا کسی که هزینه‌های ساخت بنا را تأمین کرده با تأکید ذکر گردیده است. مثلاً در روضه‌الصفای ناصری آمده است که در اوایل سلطنت ناصری (۱۲۷۲ ق / ۱۸۵۵ م) در اندرون ارگ، میرزا علی خان حاجب‌الدوله به امر ناصرالدین شاه «عمارت کریمخانی را که در جانب در قبلی واقع بود با بعضی ایینه دیگر خراب کرده از نو بنیانی مهندسانه برآورد و عمارتی شاهانه بنا کرد». در روزنامه شرف به سال ۱۳۰۶ ق / ۹-۱۸۸۸ م درباره عمارت خوابگاه ذکر شده است، «این عمارت مبارکه به وضع و طرح یکی از عمارات بسیار خوب فرنگستان است دو سال قبل به توسط جناب جلالتمآب امین السلطان وزیر اعظم داخله و مالیه و دربار اعظم... بنا شده است». در سال ۱۳۱۸ ق / ۱۹۰۱-۱۹۰۰ م که به مناسبت تعمیر اساسی ساختمان تالار برلیان شعری سروده شد، نام میرزا محمدخان حکیم‌الملک به عنوان مباشر بنایی که در آن تاریخ سمت «وزارت کل بنایی ممالک محروسه» را داشت آمده است.

در کاخ ایض در یکی از کاشیهای برجسته راهرو طبقه دوم نام مباشر و کاشیکارها چنین ذکر شده است: «حسب الامر جناب جلالتمآب آقای امین‌الملک دام اقباله عمل جان نثاران مهدی و صادق کاشی ۱۳۰۸».

در مورد مستحدثات و بناهای وقفی و عام‌المنفعه مانند مسجد، مدرسه، بیمارستان، قنات، آب‌انبار و غیره نیز غالباً نام بانی خیر یا متولی ساخت در یادها می‌ماند اما هیچگاه از معمار سازنده نامی به میان نمی‌آید، چنانکه مدرسه مروی، مسجد جامع رجبعلی، مدرسه شیخ عبدالحسین، قنات حاج علیرضا، مدرسه صدر، بیمارستان وزیری و غیره در تهران مشهور هستند و از نمونه‌های دیگر آن در شهرهای دیگر نیز بی‌شمار می‌توان یافت.

۴- طراحی شهری و قوانین و مقررات معماری و شهرسازی به عنوان ابزار نظارت بر نحوه توسعه شهر نوین

در مقایسه با شهر قدیم که سازمانی بالنسبه با ثبات و ایستا بود، شهر نوین هم از لحاظ رشد کمیته، و بیش از آن از حیث توسعه و تحول کیفی و اجتماعی سازمانی دائماً پویا است و با این خصوصیت همواره توسعه می یابد و پیچیده تر می شود. پس به ابزارها و روشهای خاصی نیاز است تا در این فرآیند مستمر تحول و پویایی کارایی، موزونی مناسبات اجتماعی و فضایی شهر حفظ گردد. ابزارهای حفظ موزونی و هماهنگی فضای شهر در فرآیند مستمر توسعه و تحول، قوانین و مقررات شهرسازی و ساختمان سازی و سازمانهایی هستند که این طرحها و قوانین را به مورد اجرا درآورند و بر تحقق آن نظارت کنند.

در تهران اولین طرح شهری به شیوه اروپایی در سال ۱۲۸۴ ق / ۱۸۶۷ م، در اواسط دوره ناصر، پدید آمد و به مدت شصت سال که برای توسعه تهران طرح جدیدتری متناسب با آن زمان تهیه شد، راهبر شکل توسعه شهر بود. این همان طرح هشت ضلعی دوازده دروازه ای است که حدود توسعه شهر و راههای ارتباط اصلی درون آن را که امروز بستر خیابانهای اصلی ناحیه مرکزی تهران است، تعیین کرد. در منابع تاریخی نام مهندس بهلر فرانسوی به عنوان طرح این نقشه ذکر شده، ولی بعید نیست که دیگر مهندسان اروپایی هم که در آن زمان در تهران بودند در تدوین اصول این طرح مؤثر بوده باشند. نقشه طرح مزبور نیز توسط یک ایرانی تحصیل کرده به روش جدید، عبدالغفارخان نجم الملک، و طبق اصول نقشه کشی اروپایی ترسیم گردیده است.

این طرح به اقتضای زمان جنبه ای بسیار کلی داشت و کمتر چیزی از آن به مورد اجرا درآمد. تنها میدان توپخانه و مسیر بعضی از خیابانهایی که از آن منشعب می شدند در کلیات بر طبق این طرح ایجاد شدند. چنین می توان گفت که پیش بینی های این طرح در قسمتهای شمالی شهر به تحقق انجامید که زمینهای آزاد آن جدیداً به داخل حوزه اصلی شهر وارد شده بود و نقل و انتقالات ملکی میان صاحبان نفوذ نیروی لازم را برای اجرای طرح فراهم کرد.

در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م، طرحی برای شکل گیری تهران جدید با قالب شهر امروزی تهیه گردید این طرح مبنای تمام خیابان کشی ها و بسیاری طرحهای شهری موضعی در مورد ایجاد پارکها، بولوارها، سایتهای خاص برای ساختمانهای دولتی، موقعیت ایستگاه راه آهن و غیره شد که استخوان بندی و نظام فضایی ناحیه مرکزی تهران را در مقیاس کلان شکل داده است. افزون بر این طرح در همین زمان اولین مجموعه قوانین و مقررات نما سازی شهری تدوین شد.

نقشه‌ای که برای این طرح ترسیم شده خوشبختانه باقی مانده است. در این طرح الگوی شهرسازیهای رایج در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اروپا به کار برده شده است. نحوه جانمایی عناصر شهری، تابعیت ساختار فضایی شهر از نظام محورها و میدانهای متقارن و تکرار و تعمیم الگوی تقارن از سطح خیابان و استخوانبندی اصلی تا معابر و اجزاء فرعی، بولوارها و خیابانهای درخت‌کاری شده عریض و طولانی که در محل تقاطعشان میدانهایی نماسازی شده شکل می‌گیرند، تجمع ساختمان‌های شهری و اداری در سایتهای متمرکز مانند پارکهای اداری انتظام یافته‌اند.... همه الگوهای برگرفته از شهرسازی اروپایی آن دوره هستند.

از همان سالهای ۸-۱۳۰۷ ش / ۹-۱۹۲۸ م تغییری را که تحت تأثیر این طرح، و ایده‌های طراح و یا طراحان آن، در کیفیت خیابان‌کشیها و وضع شدن مقررات نماسازی پیدا شده است می‌توان احساس کرد: شروع خیابان‌کشی در بافتهای قدیمی مرکز شهر (سیروس و خیام)، اولین ضوابط مربوط به نحوه نماسازی در خیابان، نخستین میدان‌سازیها با بدنه‌های طراحی شده (حسن آباد و مخبرالدوله)، گسترش یافتن طرحهای تعریض معابر.... همه در این یکی دو ساله آغاز شده‌اند. از آن پس طی بیش از دو دهه طرحهای شهری که در تهران به اجرا درآمد تحت تأثیر این طرح قرار داشت. در واقع می‌توان گفت که بخش اعظم شبکه خیابانهای اصلی و میدانهایی که در این طرح پیش‌بینی شده بود اجرا شد: نماسازی جبهه جنوبی میدان توپخانه به وسیله ساختمان وزارت پست و تلگراف، تبدیل میدان مشق به باغ ملی (۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م) و محوطه اداری (شروع از حدود ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م)، تبدیل قبرستان کهنه جنب میدان امین‌السلطان به باغ فردوس (۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م)، نماسازی میدان حسن آباد (۸-۱۳۰۷ ش / ۹-۱۹۲۸ م)، شروع برنامه‌های وسیع تعریض خیابانها و میدان‌سازی در محل تقاطع آنها (شروع از ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م)، ایجاد خیابانهای سیروس، خیام، بوذرجمهری در بافتهای قدیمی و متراکم تهران حصار اول (شروع از ۸-۱۳۰۷ ش / ۹-۱۹۲۸ م)، پر کردن خندق اطراف شهر و ایجاد خیابانهای عریض و مستقیم در جای آنها (شروع از ۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲ م)، ایجاد بولوار آب‌کرج (الیزابت - کشاورز)، قطعاتی از این طرح بودند که به اجرا درآمدند. در واقع با پیاده شدن این طرحها رویایی که تجددطلبان دوره ناصری با ایجاد شهر هشت ضلعی و ساختن میدان توپخانه و خیابان‌سازیهای اطراف آن در آرزوی تحققش بودند، شصت سال بعد تعبیر شد.

نخستین مقررات در خصوص نظارت بر نحوه ساخت و ساز در شهر به گونه‌ای که در روشهای نوین مدیریت شهری معمول است، در دوره ناصری، زمانی که کنت دمونت فورت ریاست نظمی و

احتسابیه را بر عهده گرفت تدوین شد. ولی گمان نمی‌رود که چیزی از آن اجرا شده باشد. بلدیہ زمان احمدشاه نیز گام مهمی در این راه برنداشت.

در دوره پهلوی اول به موازات کارهای عمرانی و خیابان‌سازیهای جدیدی که در شهر انجام شد برای نماسازی این خیابانها و نظارت بر نظم و آراستگی آن، قوانین و مقررات گوناگونی توسط بلدیہ وضع شد و به اجرا درآمد. ظاهراً اولین اقدام در این زمینه همزمان با تهیه طرح شهری توسعه تهران در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م انجام شد. در مهرماه این سال بلدیہ اعلام کرد که باید تا اول فروردین سال آینده جلوی همه دکانها در و پنجره شیشه‌ای نصب شود و اخطار شد دکانهایی که به این دستور عمل نکنند بلدیہ از محل مال الاجاره روزانه آنها با افزودن پنج درصد حق الزحمه، تغییرات مذکور را انجام خواهد داد. شیشه شدن مغازه‌ها در تغییر حالت و سیمای خیابان تأثیری اساسی داشت زیرا کالاها و فضای داخل مغازه را در معرض دید قرار می‌داد و خیابان را زنده‌تر می‌کرد. در تیرماه این سال بلدیہ نخستین مقررات مربوط به نماسازی در بعضی خیابانهای تازه تعریض شده را اعلام کرد. طبق این مقررات ارتفاع دیوار ۳ متر، ارتفاع بنای یک طبقه ۳ متر و بنای دو طبقه ۸/۵ متر تعیین و تثبیت گردید. نوع مصالح نماسازی آجر تراش یا قزاقی و در قسمت پایین پاسنگ تعیین شد.

مهم‌ترین سلسله مقررات مربوط به نماسازی در این دوره در سال ۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۲ م تدوین و اعلام گردید. در این ضوابط احداث بنا در جبهه معابر عمومی بدون کسب جواز کتبی از بلدیہ ممنوع اعلام شد و مالکین موظف گردیدند که قبلاً نمای ساختمان را «به وسیله معمار نقشه کش در دو ورقه ترسیم و به قید امضاء مالک و رسام رسیده به بلدیہ تسلیم نمایند، تا پس از مطالعات لازم و تطبیق آن با نقشه مصوبه جواز صادر گردد». در این مقررات بنای خشتی، دیوار چینه‌ای و کاهگلی بدون روپوش ممنوع اعلام شد.

در سال ۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۹ م مقررات تازه‌ای برای آراستن نمای خیابانها از طرف شهرداری وضع گردید. این مقررات به مواردی نظیر: دستور کلی برای ساختن در دکانها در خیابانهای بزرگ و تجدید آنها، تجدید نمای ساختمانهای قدیمی در خیابانهای معروف و تبدیل جزهای آجری به سنگی، تبدیل تابلوهای قدیمی و جوراجور به تابلوهای جدید و یکنواخت، دستور تهیه نئون در خیابانهای اصلی، قوانین جدید برای تعداد طبقات ساختمان در خیابانهای اصلی و همچنین طرز نماسازی و بالکن، و مقررات جدید در مورد تبدیل دیوارهای مخروبه به نرده‌های آهنی در آن خیابانها مربوط می‌گردید. در این سال شهرداری به منظور زیبایی و شایستگی مستغلات خیابانهای

شاه و لاله زار به مالکین «مستغلاتی که فاقد مزایای لازم هستند و عمارتهای غیرجالب ساخته‌اند یا عمارتهای قدیمی و کهنه می‌باشند» اعلام کرد که تا آخر شهریور ماه بر طبق نقشه‌ای که توسط مهندسین یا معماران دیپلمه مجاز تهیه شده باشد با تصویب شهرداری شروع به اصلاح نمای ساختمانهای خود نمایند «که از هر حیث زیبا و جالب توجه باشد».

۵- بلدیة و سازمانهای فنی مسئول طراحی و اجرای طرحهای عمرانی

نخستین قانون بلدی در ۱۰۸ ماده در ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق / ۱۹۰۷ م از تصویب مجلس گذشت و تحت عنوان «کتابچه قانون بلدیة» انتشار یافت. این کتابچه نخستین مجموعه قوانین جدی و جامعی است که در مورد اداره شهرها و اجرای اصلاحات شهری، در ایران فراهم گردید.

اولین بلدیة‌ای که به طور جدی شروع به کار کرد بلدیة پایتخت بود، که برای مکان آن عمارتی در سبزه میدان تعیین گردید و دکتر خلیل خان اعلم‌الدوله ثقفی که پزشکی نیکنام و مردی مطلع و آزاداندیش بود به عنوان شهردار تهران منصوب شد.

فقر مالی و ضعف بودجه به زحمت اجازه می‌داد که قدمی فراتر از تامین روشنایی خیابانها و نمره گذاری در خانه‌ها برداشته شود. برای رفع این محذور، در ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ق / ۱۹۱۰ م، مجلس قانونی با عنوان «مالیات بلدی بر وسایل نقلیه» از تصویب گذراند. اما این مالیات نواقل به درستی وصول نمی‌شد و بلدیة زمان احمدشاه با فقر بودجه و ضعف مدیریت و فقدان قوانین و مقررات کافی نتوانست کار چندانی از لحاظ عمرانی شهری به پیش برد.

نوشته‌ای از ظهیرالدوله در سال ۱۳۳۳ ق / ۱۹۱۵ م در روزنامه عصر جدید به چاپ رسیده است اقدامات بلدیة را زمانی که وی تصدی حکومت را داشته بر می‌شمرد، که با توجه به بودجه قلیل آن دوران مشتمل بوده است بر تامین روشنایی، آب پاشی و تعمیر خیابانها و پل‌سازیه‌ها، نظیف شهر، تهیه طرح برای بهسازی باغچه میدان توپخانه، یکسان کردن معیارهای اوزان و مقادیر در تهران و اطراف.

وضعیت بلدیة تهران بلافاصله پس از کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م با انحلال بلدیة قدیم در ۱۹ اسفند همان سال و تأسیس بلدیة جدید در فروردین سال بعد براساس تصویب نامه‌ای چهارده ماده‌ای تغییر کرد و طی چند سال پس از آن نه تنها خود به مؤثرترین سازمان سیاسی و اجرایی در شکل دادن به پایتخت و تعیین جهت معماری و شهرسازی آن تبدیل شد بلکه روش و طرز تفکری که آن را راهبری می‌کرد مانند یک الگوی محتوم و خدشه‌ناپذیر سرمشق اقدامات جدید در دیگر

شهرها قرار گرفت.

بلدیه جدید در همان ماههای اول پس از تأسیس شدن بسیاری کارها از ایجاد مؤسسات خیریه تا نظارت بر کشتار دام و ایجاد درمانگاههای عمومی، انجام داد. گذشته از آن وضع نظافت شهر به نحو محسوسی بهبود یافت. کار دیگری که در زمینه اصلاح وضع معابر آغاز شد سنگ فرش کردن کوچه‌ها بود که این کار به خرج مالکین صورت می‌گرفت. کارهای مربوط به عمران شهر نیز با سرعت آغاز شد: تهیه طرح اصلاح و بهسازی خیابان چراغ برق از میدان توپخانه تا ایستگاه راه‌آهن حضرت عبدالعظیم (ع) شامل ساختن پیاده‌رو و کف‌سازی و جدول‌گذاری در دو سوی خیابان و احداث آب‌رو سنگفرش شده و شوسه کردن بخش سواره‌رو، تعمیر جاده‌های شمیران و نیاوران و ایجاد حوضهای مخصوص آب‌پاشی در طول این خیابانها، اتمام سیل‌برگردان راه شمیران، تعمیر و اصلاح مسیر انتهایی بازار عباس‌آباد، تعمیر دروازه‌های شهر، ایجاد سیل‌برگردان در دروازه یوسف‌آباد، تعمیر قنات حاج علی‌رضا، و عملیات شعبه دایره مهندسی برای طرح نقشه‌ای جهت ساختن یک بنای باشکوه برای بلدیه تهران در ضلع شمالی میدان توپخانه. این ساختمان، که پس از ساخته شدن به «عمارت بلدیه» معروف شد اولین بنای اداری در تاریخ معماری معاصر است که ساختار فضایی و حجمی آن کاملاً به الگوی نئوکلاسیک اروپایی بوده و در پوسته‌اش چیزهایی ایرانی بدان افزوده شده بود.

یکی دیگر از مهمترین کارهایی که بلدیه جدید در همان نخستین سال تأسیس انجام داد ایجاد مدرسه‌ای بود برای تربیت کارشناسان فنی در زمینه تهیه نقشه‌های ساختمانی و کارهای متره و برآورد. جز آن کمیسیون مرکب از مهندسين، مکانیسی‌ها و اشخاص فنی دیگر تشکیل گردید که از کارخانه‌های متروک و از کارافتاده اطراف تهران بازدید نموده و امکانات اقتصادی و فنی راه‌اندازی مجدد آنها را بررسی کنند.

رضاخان در مقام ریاست وزرا، در مرداد ماه ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م کریم خان بوذرجمهری را که یکی از نظامیان زیر دست وی در قزاق‌خانه بود به کفالت بلدیه برگزید. وی تا سال ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۴ م شهردار تهران بود. یکی از کارهای مهم دوران تصدی بوذرجمهری در مقام سرپرستی شهرداری تهران تعریض خیابانهای قدیمی و ایجاد خیابانهای جدید در قسمت‌های قدیمی شهر بود. در مجله بلدیه مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۵ م اعلان شروع این کار درج گردیده است. در این «اخطار» نه تنها رویای شبیه کردن تهران به شهرهای مدرن اروپایی با خیابانهای عریض، اتومبیلها، واگنهای برقی، متروی زیرزمینی، لوله‌کشی آب و شبکه فاضلاب... مجسم گردیده، بلکه عزم آمیخته با زور

که ضامن اجرای این نیات خواهد بود نیز منعکس شده است.

تعریض خیابانها و انجام دیگر طرحهای اساسی در زمینه بهسازی شهری نیازمند بودجه منظم و کافی بود از این رو از مهرماه ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م قانون عوارض بر وسایل نقلیه شهری تعدیل گردید و همین امر امکان نخستین بهسازیها را در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م در خیابانهای سپه، پهلوی و ناصریه فراهم کرد. تعریض خیابان چراغ برق در اوایل سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م با تخریب عمارتها شروع شد. در پی آن در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۷ م ناصریه، جبابخانه (بوذرجمهری بعدی)، در سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م خیابان سیروس، فرمانفرما (شاپور)، شاه‌آباد، اسماعیل بزاز (مولوی)، و جلیل آباد (خیام) تعریض یا احداث گردیدند.

انجام طرحهای شهرسازی بلندپروازانه نیازمند بودجه کافی بود. از این رو قانون مالیات مستغلات در سال ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م به تصویب رسید و از فروردین سال بعد به اجرا گذاشته شد. افزون بر آن در سال ۱۳۰۹ ش / ۱۹۳۰ م مالیات وسایل نقلیه نیز افزایش یافت. این مالیاتها بر درآمد بلدیه افزود، چنانکه در سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م بودجه بلدیه به ۹۱۹ هزار تومان رسید، و این افزایش زمینه انجام طرحهای بیشتری را در زمینه تعریض، خیابان‌سازی، میدان‌سازی، پرکردن خندقهای اطراف شهر، آسفالت‌ریزی خیابانها فراهم کرد. اگر این بودجه را با اجرت کارگر ساختمانی که در آن زمانها حدود ۴ قران در روز بوده مقایسه کنیم، تناسبی از مقدار آن به دست خواهد آمد.

شروع جدی آسفالت‌ریزی و کف‌سازی خیابانهای جدید از سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م بوده است. پیش از آن بعضی از خیابانهای مهم در مرکز شهر سنگفرش شده بودند. در سال ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۶ م تعریض، احداث و ساختمان بیشتر خیابانهای مهم داخل شهر پایان یافته بود و از این پس عمده فعالیت‌های خیابان‌سازی متوجه معابر نوبنیاد حاشیه شهر و جاده‌هایی شد که در جای خندقهای قدیم و خارج از آن ایجاد شده یا در کار ایجاد شدن بود.

از حدود سال ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م به آرایش میدانهای مهم شهر پرداخته شد. در بیشتر میدانی نوبنیاد و در دو میدان قدیمی توپخانه و بهارستان باغچه‌کاری و آب‌نماهای باشکوه ایجاد شد و مجسمه‌هایی با مضامین مختلف برپا گردید. در سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ش / ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹ م خیابان شهر کابل‌کشی زیرزمینی شد و در آنها تیرهای برق نصب گردید.

دیگر فعالیت مهم بلدیه تهران در زمینه ایجاد پارکهای عمومی بود. نخستین پارک عمومی تهران «باغ ملی» نامیده شد که در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م در نیمه غربی اراضی میدان مشق به‌الگوی

کاملاً اروپایی ساخته شد. دیگر باغ فردوس بود، که آن نیز هم زمان با باغ ملی در جای گورستان کهن سال واقع در غرب میدان امین السلطان ایجاد شد.

حاصل فعالیت‌های بیست ساله شهرداری، تبدیل تهران از یک شهر سنتی به شهر امروزی بود. در شهرها سازمانهای بلدیة تنها مؤسساتی نبودند که در امر ساخت و ساز و عمران دخالت کردند و مؤثر واقع شدند. بسیاری وازرتخانه‌ها و ادارات دیگر را نیز می‌شناسیم که هر کدام مسئول طراحی و احداث ساختمانهای مربوط به خود در تهران، مرکز استانها و شهرستانها بودند. بنابراین دفاتر فنی و دفاتر ساختمانی ویژه خود را تشکیل دادند.

دفاتر و شرکت‌های نقشه‌کشی و ساختمانی خصوصی در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م زمانی که بلدیة نخستین سلسله از قوانین و مقررات نماسازی را اعلان کرد رونق گرفتند.

بعضی از پروژه‌های عمرانی شهری و ملی مانند ایجاد کارخانجات، راه‌آهن سراسری، و تاسیسات زیربنایی همچون برق، تلفن و لوله‌کشی آب، که جنبه تخصصی و فنی ویژه داشت، به وسیله شرکت‌های خارجی معظمی که مجموعه افراد فنی و متخصصین گوناگون و دانش فنی لازم را در اختیار داشتند به مورد اجرا درآمد. طرح احداث راه‌آهن در سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م آغاز شد و تا سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م توسط مقاطعه کاران و شرکت‌های کوچک ادامه یافت و از آن تاریخ به شرکت دانمارکی کامپساگس واگذار گردید. توسط همین شرکت بود که مقداری زیادی ساختمان برای ایستگاهها و انبارها و سایر تاسیسات راه‌آهن در سراسر ایران ساخته شد. این ساختمانها نمای بسیار ساده از سیمان داشتند، که سیمان آنها در کارخانه سیمان ری که به منظور تأمین نیاز طرح بزرگ راه‌آهن تأسیس شده بود ساخته می‌شد. در تهران و بعضی شهرهای بزرگ به جز ساختمان ایستگاه راه‌آهن بناهای متعدد دیگر نظیر بیمارستان و ساختمان‌های اداری و نیز خانه‌های سازمانی برای خدمات ضمیمه راه‌آهن ساخته شد.

معماری شرکت‌های خارجی در تهران تنها محدود به ساختمان‌های راه‌آهن نماند. از دیگر ساختمان‌ها می‌توان بنای کاخ دادگستری، کارخانه برق و شرکت دخانیات را نام برد که هر سه توسط شرکت اشکودای چکسواکی ساخته شدند.

۶- معماری به عنوان حرفه‌ای با مسئولیت اجتماعی

فرآیند معماری و طراحی شهری به گونه‌ای که از آغاز دوره پهلوی معمول گشت، مهندسان طراح را به عنوان شخصیتی مطرح کرد که در جامعه علاوه بر مسئولیت فنی از لحاظ طراحی و اجرای

ساختمان به گونه‌ای که با آخرین موازین علمی و فنی و استانداردهای ایمنی و رفاهی منطبق باشد، دارای نقش و تعهدی فرهنگی و به اصطلاح روشنفکرانه است. و می‌توان گفت که از آغاز دوره پهلوی این مهندسان طراح بودند که مسیر معماری معاصر ایران را تعیین کردند، و این را از بعضی جنبه‌ها می‌توان رجعتی دانست به نقشی که معمار تا پیش از دوه ناصری بر عهده داشت. پیش از دوره ناصری که هنوز سلیقه خواص جامعه به شبیه‌سازی بناهای فرنگی گرایش نیافته، و از معماری اروپایی تنها بعضی جنبه‌ها یا عناصر به صورتی بسیار محدود در معماری ایران وارد شده بود، طراح اصلی ساختمانها استادان معمار بودند. در قدیم چهارچوب جهان ذهنی معمار با سفارش دهنده و کارفرما، از این لحاظ که هر ساختمانی، بسته به نوع آن، باید چه هیئت و ترکیبی داشته باشد ایگانه بود.

از دوره ناصری ابتدا برخی از خواص مانند معیرالممالک پیدا شدند که می‌خواستند عین ساختمانهای اروپایی را در ایران داشته باشند، و این سلیقه فرنگی مآبانه پس از سال ۱۳۹۰ ق / ۱۸۷۳-۴ م که شاه و گروهی از رجال به اروپا سفر کردند به سرعت میان خواص جامعه توسعه یافت. نتیجه آنکه در آخر دوره قاجاریه معماری پیشرو و متجدد در ایران، یا دست کم در تهران، آمیزه‌ای بود از الگوهای معماری ایزانی و شیوه نئوکلاسیک رایج در اروپای قرن نوزدهم. اما از آنجا که شناخت موجود از سبکهای فرنگی سیستماتیک و منظم نبود کاربرد آن نیز تابع ذوق معمار قرار می‌گرفت و در این میان الگوی موجود در درجه اول نقاشیها و کارت‌پستالهایی بود که شکل و هیئت بناهای فرنگی در آن دیده می‌شد و در درجه دوم بناهایی که قبلاً با به کار بردن یک یا چند عنصر فرنگی ساخته شده بود. معمار در ساختن عنصر موردنظر آن را تا آنجا که می‌شد با یکی از الگوهای آشنایی که در ذهن داشت شبیه می‌کرد و مطابق این شباهت و بنا به ذوق خود چیزی به آن می‌افزود یا از آن می‌کاست و برای نشان دادن و قرار دادن آن در مجموعه بنا تغییراتی در آن می‌داد و حاصل کار نسخه ایران شده فلان عنصر یا فلان الگوی اروپایی بود.

در دوره پهلوی، از همان آغاز به اقتضای آنکه حاکمیت سیاسی و راهبری فرهنگی جامعه در کف سیاستمداران و روشنفکران تجدیدطلب قرار گرفت، در معماری و شهرسازی نیز عنان طراحی و تعیین سبک فنی اجرا به مهندسين طراح و متخصصان دانشگاه دیده سپرده شد. در این عصر معماران چه با ساختن ساختمانهای بزرگ و با پرستیژ، چه با آموزش معماری جدید، و چه از طریق نوشتن و نقد معماری عامل تعیین سبک، نوع مصالح و تکنیک ساخت برای کل جامعه گشتند. از این پس معماران سنتی صرفاً به عامل اجرای هر چه دقیق‌تر و صحیح‌تر طرحها و نظرات مهندسان طراح

تبدیل شدند و در مورد ساختمانهای کوچکتر و معمولی‌تر مانند خانه‌ها و ساختمانهای تجاری، که در اغلب موارد به مهندس طراح مراجعه نمی‌شد به الگوبرداری از ساخته‌های مهندسان طراح پرداختند و سعی کردند که جنبه‌ها و نکته‌های معماری جدید را با روشها و آنچه خود از معماری سنتی می‌دانستند بیامیزند.

از آنجا که در این دوره معماران سنتی هنوز اتصال محکمی با منبع غنی معماری ایرانی داشتند، از این آمیزش نتایج جالب توجه و گاه ارزشمندی در سبک معماری بناهای مسکونی و تجاری دوره پهلوی اول حاصل شد، که به مناسبت فراوانی این نوع بناها در تهران آن را «سبک معماری تهرانی» می‌توان نامید.

بنا به موقعیتی که مهندسان طراح در طراحی بناهای مهم دولتی و عمومی به دست آوردند تأثیر آنان را در سبکهای معماری این دوره به روشنی می‌توان دید. به طور نمونه سبک معماری بناهای مهم تهران حدوداً تا پیش از ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ م تحت تأثیر کارهای مارکوف است و در فاصله سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۴ م به سبک ملی‌گرا که تحت تأثیر کاوشهای باستان‌شناسانه و ارتباط با معماران آلمانی به وجود آمد، گرایش می‌یابد و از سال ۱۳۱۳ به بعد تحت تأثیر معماری پیش از مدرن و مدرن اولیه که توسط معمارانی مانند گورکیان و وارتان و فروغی در ایران به کار گرفته شد قرار می‌گیرد.

در حدود سال ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۳ م به موازات تجدد، عربیت زدایی و الهام گرفتن از فرهنگ پیش از اسلام که در بسیاری از شئون اجتماعی در گرفته بود، تب احیای عظمت ایران باستان معماری را نیز فراگرفت و به جان ساختمانهای دولتی افتاد و تا حدی به ساختمانهای غیردولتی نیز سرایت کرد. بعضی بناهای مهم دولتی که در فاصله سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۶ م طراحی و ساخته شده‌اند، به نحو محسوسی این ویژگی را در سیمای ظاهری و تزئینات خود نمایش می‌دهند. نخستین ساختمان که با این گونه معماری ساخته شد عمارت مجلس بود که به جای ساختمان قدیمی که در آذرماه ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ م آتش گرفت، بنا گردید. ارباب کیخسرو زرتشتی تصدی تعمیرات این عمارت را بر عهده گرفت و استاد قربان معمار اجراکننده آن بود. پس از آن ساختمانهای بانک ملی و شهربانی به طراحی مهندسی آلمانی به نام هینریش و دبیرستان انوشیروان دادگر و دبیرستان فیروز بهرام به سرمایه گذاری زرتشتیان و چند بنای دیگر مانند کلابتری دربند و مؤسسه رهنی به این سبک ساخته شدند.

شایان توجه است که این ملی‌گرایی باستانی در معماری این دوره کم و بیش مقارن با زمانی است

که روابط سیاسی و فرهنگی ایران با آلمان گرم شده بود، ضمناً در همین دوره ملی‌گرایی مبتنی بر نژادگرایی و اسطوره پرستی که رنگی از تحقیر مسیحیت نیز داشت در آلمان اوج می‌گرفت. در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ ش / ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ م، باستان‌شناسان فرانسوی و آلمانی در ایران کاوشهای مهمی انجام دادند. هر تسفلد در تخت جمشید اکتشافاتی انجام داد که شاه در محل از آنها بازدید کرد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که این بازدید و آنچه درباره بزرگی نژاد آریایی و مجد و عظمت ایران در دوران شاهان باستانی در جو ذهنی جامعه القا می‌شد در تغییر ذهنیت وی و سیاستهای دولت درباره کاربرد «سبک ایران باستانی» بناهای دولتی مؤثر واقع شده باشد.

اما معماران پیشرو به زودی از گردن نهادن به این سبک دولتی و حاکم فرموده سر تافتند و از سال ۱۳۱۳ ش / ۱۹۳۴ م بعضی ساختمانهای عمومی و دولتی بدون تقلید از تزئینات و مجسمه‌های باستانی، به سبک پیش از مدرن با روکار ساده سیمانی ساخته شد و در سالهای بعد تعداد بناهایی که به این سبک ساخته می‌شد مرتباً افزایش یافت، به گونه‌ای که پس از سال ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م به سبک غالب در طراحی بناهای عمومی تبدیل شد. رواج این سبک نشان می‌داد که جریان فکری معماری ایران تابع نظرات شاه نیست بلکه در اختیار معماران جوانی است که می‌کوشند خود را با جریانهای فکری پیشرو در سطح جهان هماهنگ کنند.

مقاله‌ای از وارتان که در سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۳۶ م در اولین شماره مجله آرشیوتکت به چاپ رسیده ضمن آنکه جو موجود در برخورد فکری معماران پیشرو را با معماری تبلیغاتی دولتی دوره رضاشاه به نحو جالبی تصویر کرده، مسأله هویت معماری معاصر ایران را، که از آن دوره تاکنون همه معماران کم و بیش به آن اندیشیده‌اند طرح کرده است:

«کلاً معمارانی که از خارج آمده‌اند با دو راه حل مواجه هستند:

الف: آیا باید از گذشته تقلید نمود و آثار ذیقیمت قدیمی را تجدید نمود؟

ب: و یا اینکه به آینده نگریسته و معماری را با طرز زندگی جدید وفق داد؟»

فکر اولی تحت تأثیر تعصب ملی در اوائل دوره پهلوی چند قدمی پیشرفت کرده بود. در تهران عمارات چندی به شیوه قدیم ساخته شدند که از آن جمله است ساختمانهای بانک ملی، شهربانی، پست و تلگراف و باید تصدیق نمود که نتیجه خوبی از این تجربه بدست نیامده و ثابت شد که نه تنها باید از تقلید اسلوب‌های قدیم چشم پوشید، بلکه باید فکر مدرن کردن آنها را نیز از سر بیرون کرد. «... قبلاً باید گفت که ما برای معماری قدیم کشور خودمان احترام فوق‌العاده قائل هستیم. منظور ما این است که اکنون اگر بخواهیم از آنها تقلید کنیم نتیجه چندان جالب توجهی بدست

نخواهیم آورد، زیرا این ساختمانها دیگر با اوضاع و احوال امروزه و تمایلات نسل کنونی و احتیاجات زندگی فعلی مطابقت ندارند بلکه ملت تنها نمی تواند متکی به گذشته خود باشد بلکه باید بیشتر به حال و آینده بنگرد زیرا در طبیعت همه چیز رو به تکامل و ترقی می رود. معماری هم از این اصل کلی مطابقت می نماید.

«... ما در مقابل نسل آینده وظایفی داریم که باید انجام دهیم واقعاً اگر برای فراغت از این وظایف، شیوه قدیم را تعقیب کنیم، باید گفت که کم همت می باشیم. اگر این طور رفتار کنیم باید گفت که نه تنها متوجه ترقی و تعالی خود نشده ایم بلکه اصولاً روح این قرن را نفهمیده ایم....» بدین ترتیب معماران در این دوره نقش روشنفکرانه و نقادانه ای را کسب کردند.

بنا به همین اهمیت و نقشی که ادبیات نوشتاری معماری در این دوره کسب کرد، مجلات و نشریات معماری و ساختمانی متعددی انتشار یافت. بخشی از این نشریات بولتن هایی بود که به وسیله سازمانهای دولتی به چاپ می رسید و گذشته از نقش خبررسانی، نوشتارهایی نیز در باب جنبه های فنی معماری و ساختمان یا جنبه های کیفی و به اصطلاح ارزشی آن در خود داشت.

از مهمترین این گونه نشریات مجله بلدییه بود که از همان اولین سال ایجاد بلدییه جدید به صورت نشریه هفتگی انتشار یافت، اما تقریباً پس از یک سال انتشار آن متوقف شد و مجدداً با انتصاب بوذرجمهری به کفالت شهرداری به راه افتاد و به همین ترتیب سالها در چند نوبت متوقف و مجدداً منتشر شد. در این نشریه نوشتارهای فراوانی در توجیه دلایل فرهنگی و فنی اقدامات بلدییه در مورد شهرسازی جدید، تعریض خیابانها، سبکهای جدید معماری و غیره می توان یافت. نشریه مهم دیگر مربوط به اداره باستان شناسی است که آندره گدار از سال ۱۳۱۵ ش / ۱۹۳۶ م مقالات متعددی درباره معماری و هنر ایران در آن به چاپ می رساند. مجموعه این مقالات بعدها در چندین مجلد تحت عنوان آثار ایران به طبع رسید.

اولین نشریه ادواری مربوط به معماری در ایران مجله آرشیوتکت است. این مجله از سال ۱۳۲۵ ش / ۱۹۴۶ م تا دوازده شماره منتشر شد. دومین نشریه از این نوع مجله معماری نوین است که از سال ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۱ م به همت وارتان انتشار یافت.

از زمانی که طراحی و اجرای معماری و کارهای عمرانی به شیوه امروزی در دستور کار دولت قرار گرفت ضرورت آموزش تخصص های گوناگون مانند طراحی، محاسبات ایستایی، تهیه نقشه های اجرایی، نقشه برداری، متره، برآورد، تهیه دفترچه های مشخصات فنی و غیره احساس شد، و بدین ترتیب مؤسسات آموزشی زیادی برای تعلیم دادن این تخصصها پدید آمد.

در این زمینه نیز سازمانهای آموزش دولتی، پیشقدم بودند که بیشتر آنها زیر نظر وزارت معارف قرار داشتند. پیش از دوره پهلوی تنها مدرسه صنایع مستظرفه کمالالملک را می‌شناسیم که در زمینه نقاشی، و احتمالاً به نحو محدودی در طراحی ساختمان آموزش می‌داد.

در دوره پهلوی اول مدرسه بلدیه جدید که برای تربیت کارشناسان فنی در زمینه تهیه نقشه‌ها و کارهای متره و برآورد تشکیل شد و هنرستان دولتی پسران (۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م) و موسسات خصوصی آموزش نقشه‌کشی که از حدود سال (۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م) بوجود آمدند از جمله اولین مدارس فنی هستند. دانشکده فنی یکی از اولین دانشکده‌های وابسته به دانشگاه تهران بود که ایجاد شد. محل این دانشکده ابتدا در قسمتی از کلاسهای مدرسه دارالفنون قرار داشت و بعدها در اواخر پهلوی که ساختمان دانشکده فنی در اراضی دانشگاه ساخته شد به آنجا منتقل گردید.

بزرگترین گام در آموزش معماری به روش دانشگاهی با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا به همت اسماعیل مرآت رئیس فرهنگ وقت برداشته شد. این دانشکده در مهرماه ۱۳۱۹ ش / ۱۹۲۰ م با سه شعبه معماری، نقاشی و مجسمه‌سازی در محل مدرسه مروی گشایش یافت و با موافقت وزارت پیشه و هنر کلاسهای شعبه معماری هنرسرای عالی، و شعبه‌های نقاشی و مجسمه‌سازی هنرستان عالی هنرهای زیبای نوین آن وزارتخانه منحل شد و با انتقال دانشجویان آن آموزشگاهها به دانشکده هنرهای زیبا و پذیرش داوطلبان جدید آغاز به کار کرد.

هیئت مؤسس دانشکده هنرهای زیبا ۱۲ تن بودند که نام معماران و مهندسان آنها به قرار زیر است:

آندره‌گدار - رئیس دانشکده - معمار دیپلمه

محسن فروغی - معمار دیپلمه

رولاند دوبرول - معمار دیپلمه

ماکسیم سیرو - معمار دیپلمه

الکساندر موزر - مهندس ساختمان

خاجیک بابلویان - مهندس ساختمان

۷- بعضی از معماران مهم اوایل پهلوی

تا پیش از دوره پهلوی زمینه فکری و فرهنگی جامعه، که معماری مقید به چهارچوب آن است، همچنان در بند میراث‌های کهن خویش باقی ماند. بنابراین معماری نتوانست به عنوان یک فعالیت

فرهنگی و اندیشمندانه از اساس دگرگون شود و فقط در مقیاسی محدود، و به نحوی بسیار پراکنده، ساختمانهایی که صرفاً ظاهر اروپایی داشتند و تنها در دایره تصمیم‌گیریهای فردی مالکین آنها ساخته شد. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین جنبه‌هایی که معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول را از دوره قاجاریه متمایز می‌کند دگرگونی اساسی در مبانی فکری و فرهنگی و روشنفکرانه، و هم در روشهای آن است، که این خود جزئی از جریان تجدیدگرایی عمومی است که پس از مشروطیت آزاد شد.

این جریان تجدیدگرایی طالب حرکت به سوی یک جامعه مدنی به الگوی اروپایی بود که رویاهای دیرینش در مورد تأسیس بانک ملی، ایجاد راه‌آهن، گسترش آموزش نوین، تأسیس دانشگاه، گسترش تولید کارخانه‌ای بر پایه تکنولوژی جدید، گسترش شبکه تأسیسات شهری مانند آب لوله‌کشی و برق و تلفن و غیره، در لوای ثبات اجتماعی و اقتدار سیاسی و نظامی دوران پهلوی اول صورت تحقق به خود گرفت.

برای تحقق و اجرای این نیت زمینه فرهنگی متناسب با آن نیز مورد نیاز بود که برای نخستین بار دولت به نحوی آشکار و پیگیر مسئول ایجاد آن گردید، و سیاستمداران و دولت‌مردانی که در پستهای سیاسی و اجرایی قرار گرفتند در خدمت تحقق این آرمان اجتماعی بودند. افرادی مانند تیمورتاش، بوذرجمهری، ذکاءالملک فروغی، مشیرالدوله، مستوفی‌الممالک، داور، مخبر السلطنه،...

در زمینه معماری و شهرسازی این دگرگونی را در زمینه‌های متفاوتی می‌توان دید:

- به کارگیری آرشیکت‌ها و مهندسان ساختمان، به عنوان مشاوران و طراحان اصلی بنیادهای شهری نوین و ساختمانهای بزرگ دولتی و عمومی
- مطرح شدن حرفه معماری و شهرسازی از بعد فرهنگی و اندیشمندانه و پیدایش اولین ادبیات نوشتاری در این زمینه
- ایجاد مؤسسات و سازمانهای تخصصی آموزش فن معماری و ساختمان
- استفاده از تشکیلات و تخصص‌های سازمان یافته شرکتهای مقاطعه کاری و ساختمانی خارجی در ایجاد صنایع، زیر ساختهای شهری و ساختمانهای بزرگ و خاص
- استفاده کامل از سبکهای معماری اروپایی و سبک مدرن جهانی در کنار مطرح شدن بحث هویت ملی و ایرانی در معماری جدید
- حاصل مجموع این دگرگونیها آن بود که برای اولین بار در سطح تلقی عمومی جامعه، حرفه

معماری و تعریف معمار از چهارچوب سنتی آن فراتر رفت و با آنچه در اروپا وجود داشت مطابقت داده شد. بدین ترتیب نسل جدیدی از معماران در ایران به وجود آمد که عمل معماری را از زاویه‌های تصویری جدید و روشنفکرانه می‌دیدند و برحسب آن، برای خویش گذشته از جنبه فنی نقش و رسالتی فرهنگی و هنرمندانه قائل بودند و به همین دلیل به جایگاهی جدید در جامعه دست یافتند. اولین معمارانی که در این دوره به نحو مؤثر در ساختمان‌سازیهای دولتی به کار گرفته شدند معماران اروپایی بودند که نام برخی از آنها و کارهایشان را می‌شناسیم. یکی از معروفترین این عده مهندس لئون مارکوف است. وی معماری روسی بود که در سال ۱۸۸۲ م در تفلیس زاده شده و آموزش دانشگاهی خویش را در روسیه پیش از انقلاب، یعنی در سالهای پربار دهه اول قرن بیستم در دانشگاه سن پترزبورگ انجام داد. می‌دانیم که وی در جنگ جهانی اول وارد بریگاد قزاق شد و در ایران به عنوان یکی از افسران تزار در قزاقخانه خدمت می‌کرد و هنگام کودتا هم‌رزم رضاخان بود و این مقارن با زمانی بود که در روسیه انقلاب در گرفته و افسران روس سفید که در ایران بودند تمایلی به بازگشت نداشتند. بنابراین مارکوف در ایران ماند و در دوره پهلوی اول به عنوان یکی از مهمترین طراحان ساختمانهای عمومی و دولتی فعالیت کرد. نخستین طرح مهم او عمارت بلدیه در میدان توپخانه بود. از دیگر بناهای مهمی که از او در تهران به یادگار مانده زندان قصر (شروع ساختمان در ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م بهره‌برداری از ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م)، ساختمان اصلی کالج امریکاییها (دبیرستان البرز - ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م)، نوسازی سفارت ایتالیا در خیابان فرانسه، عمارت دانشسرای عالی، مسجد فخرالدوله، نوسازی دارالفنون، مدرسه ژاندارک، مدرسه انوشیروان دادگر شایان ذکر هستند. مارکوف نخستین معماری است که به طور آگاهانه کوشیده است موتیفها و اشکال ایرانی مانند قوسهای شکسته در ریتم منظم پنجره‌ها و آرکهای بلند در قسمت ورودی را در ساختمانهایی که کاملاً شالوده نئوکلاسیک اروپایی دارند به کار برد و با استفاده از آجر و کاشی در نمای خارجی حالت و هیبتی ایرانی به ساختمانهای جدید بدهد.

آندره گدار معمار و باستان‌شناس فرانسوی در اوایل دوره پهلوی در مقام مدیریت باستان‌شناسی به استخدام دولت ایران در آمد و کار خود را عملاً از سال ۱۳۰۸ ش / ۱۹۲۹ م آغاز کرد و نزدیک بیست و چهار سال در این سمت به خدمت پرداخت.

مهمترین کار او در معماری جدید ایران طراحی و سرپرستی ساخت موزه ایران باستان در تهران، مشارکت در طراحی دانشگاه تهران و طراحی دانشکده‌های پزشکی، داروسازی، داندانپزشکی و فنی، و طراحی مقبره حافظ در شیراز است. ساختمان موزه مذکور در سال ۱۳۱۴ ش

۱۹۳۵ م به پایان رسید و دو سال بعد افتتاح شد. اجرای ساختمان این موزه با نظارت و معماری حاج عباسعلی معمارباشی انجام گردید. نکته جالب توجه در طرح این ساختمان استفاده از عناصر و اشکال معماری ساسانی است که نه تنها پاسخ مناسبی به محتوای عملکرد این بنا است، بلکه تلاش استادانه است در دادن هویت ایران به ساختمان جدید و امروزی.

گذار بنا به وظیفه اصلی خود بسیاری از آثار تاریخی معماری ایران را به ثبت رساند و انتشار نشریه‌ای برای مقالات مربوط به باستان‌شناسی را آغاز کرد. گذشته از این خدمات، وی از بنیان‌گذاران اصلی دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران بود و در آغاز ریاست دانشکده را برعهده داشت.

ماکسیم سیرو (زاده ۱۹۰۷ م) معمار و باستان‌شناس فرانسوی دیگری است که در دوره پهلوی اول به عنوان معمار در چندین وزارتخانه خدمت کرد. وی در شهر یزد مدارس متعددی طراحی و اجرا کرد. در طراحی مجموعه دانشگاه تهران با گذار و تنی چند از معماران دیگر همکاری کرد و در آغاز تأسیس دانشکده معماری هنرهای زیبا یکی از استادان رشته معماری بود. طرح باشگاه دانشگاه نیز از اوست. وی در تاریخ معماری ایران صاحب نظر بود و مقالات زیادی راجع به معماری قبل و بعد از اسلام و همچنین کتاب جالبی درباره کاروانسراهای ایران تألیف کرد. وی در سال ۱۹۷۵ درگذشته است.

در آغاز دوره پهلوی تعداد مهندسان و متخصصان ایرانی در رشته‌های معماری و ساختمان اندک بود اما از اواسط این دوره با بازگشت کسانی که برای تحصیل به خارج رفته بودند تعداد آنها بیشتر شد. بسیاری از این معماران ارمنی بودند و مانند دیگر مواردی که آرامنه با تعداد قلیل، نقش بزرگی در انتقال فرهنگ مسیحی - اروپایی به ایران ایفا کرده‌اند، در اشاعه معماری جدید بسیار مؤثر واقع شدند.

ناگفته نماند، یکی از نخستین اقداماتی که در دوره پهلوی در جهت تأمین نیروی متخصص که کشور به نحو مبرمی به آن نیاز داشت عملی گردید، تصویب قانون اعزام محصل به خارج بود (۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۸ م)، بر طبق این قانون مقرر شد تا شش سال، سالانه یکصد نفر دانشجوی به خرج دولت برای تحصیلات عالی اعزام اروپا گردند. از چند سال بعد که فارغ‌التحصیلان این گروه‌های اعزامی کشور بازگشتند به تدریج بنیه فنی و تخصصی کشور تقویت گردید.

یکی از نخستین معماران ایرانی تحصیل کرده دوره پهلوی اول کریم طاهر زاده بهزاد، برادر حسین بهزاد، مینیاتورست نامدار ایرانی است. وی در سال ۱۲۶۷ ش / ۱۸۸۸ م در تبریز زاده شد. از

سال ۱۲۹۰ ش / ۱۹۱۱ م در ترکیه به تحصیل پرداخت و از دانشکده فنی استانبول فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۲۹۷ ش / ۱۹۱۸ م برای تکمیل تحصیلات به دانشکده فنی برلن رفت و در سال ۱۳۰۶ ش / ۱۹۲۷ م به ایران بازگشت. از کارهای برجسته او آرامگاه فردوسی، بیمارستان شاهرضا در مشهد (۱۳۰۹ ش / ۱۹۲۷ م) ایستگاه راه‌آهن تهران و بنای خط و ابنیه راه‌آهن (واقع در ضلع غرب میدان راه‌آهن) است. او از سال ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م رئیس اداره ساختمان راه‌آهن بود.

او یکی از نخستین معماران ایرانی است که کوشیده است معماری را در قالب نوین آن به عنوان یک فعالیت علمی و فرهنگی به جامعه ایرانی بشناساند. همچنین از اولین معمارانی بود که در تهران دفتر تهیه نقشه‌های معماری تأسیس کرد و در پدید آمدن سبک نماسازی آجری خاصی که در اولین خیابانهای تعریض شده در دوره پهلوی شیوع یافت مؤثر بود.

وارتان هوانسیان معروف به «آرشیتکت وارتان» (زاده ۱۲۷۵ ش / ۱۸۹۶ م در شهر تبریز) در اواخر جنگ اول جهانی برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و وارد مدرسه «هنرهای زیبا» (بوزار) شد، اما پس از مدتی به «مدرسه مخصوص معماری» که با افکار پیشروتری اداره می‌شد رفت، پس از فراغت از تحصیل مدتی با معماران صاحب نام کار کرد و سپس دفتر معماری خود را گشود. وی سرانجام پس از ۱۷ سال اقامت در اروپا و ضمن حضور فعال در جریان پویای جنبش معماری مدرن و هنر نو در ۱۳۱۴ ش / ۱۹۳۵ م به ایران بازگشت. او ابتدا در اداره شهربانی مشغول به خدمت شد و ضمناً در مسابقه طراحی ساختمان هنرستان دختران مقام اول را کسب کرد، ولی به زودی به کار آزاد پرداخت. وی طی حدود سه دهه، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م یکی از پرکارترین معماران ایران بوده است. مهمترین کارهای او عبارتند از هنرستان دختران در خیابان سرهنگ سخایی (سوم اسفند)، تکمیل کردن ساختمان باشگاه افسران (در حال حاضر ساختمان شماره ۸ وزارت امور خارجه که توسط گورکیان طراحی شده بود)، مهمانخانه دربند، یکی از کاخهای مجموعه سعدآباد، سینما متروپل و سینما دیانا، طرح مهمانخانه ایستگاه راه‌آهن (۱۳۱۹ ش / ۱۹۴۰ م) در جبهه شمال شرقی میدان راه‌آهن، طرح هتل فردوسی، عمارت اصلی بانک سپه در اول خیابان امام خمینی (ره) (۱۳۳۰ ش / ۱۹۵۱ م)، بانک سپه شعبه بازار، و مراکز بانک سپه در شهرستانها، همچنین از او تعداد زیادی ساختمان اداری و پاساژهای تجاری و منازل مسکونی در تهران به یادگار مانده است.

وارتان در فعالیتهای صنفی و مطبوعاتی نیز مشارکت داشت. او عضو هیئت مؤسس انجمن آرشیتکت‌های ایران، و در مجله آرشیتکت نماینده انتشارات و تبلیغات و عضو هیئت تحریریه بود. او مقالات زیادی نوشت و مجله معماری نوین نیز بعدها توسط وی منتشر شد.

وارتان در فاصله سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۰ ش / ۱۹۳۵ تا ۱۹۵۱ م از پیشروترین معماران ایران بود. طرحهای وی را در این دوره می توان از لحاظ سبک شناسی در شمار آثار پیش از مدرن اولیه ارزیابی کرد. وسعت دامنه فعالیت های او از طراحی کردن و ساختن تا نقدنویسی و انتشارات نشریات معماری نمونه ای از نقش روشنفکرانه معمار در جامعه ایران مدرن است. وی ذهنی نقاد داشت و در احساس تعهد نسبت به محتوای معماری در دوره فعالیت خویش در جهت ارائه طریق برای معماری آن دوره کوشید. وارتان در سال ۱۳۶۱ ش / ۱۹۸۲ م در تهران درگذشت.

گابریل گورکیان (زاده ۱۲۷۹ ش / ۱۹۰۰ م) هر چند در ترکیه متولد شد ولی اصلاً ارمنی و ایرانی بود. گابریل دوره ابتدایی را در تهران طی کرد و در سن ده سالگی برای ادامه تحصیل به وین فرستاده شد. در سال ۱۹۱۵ م در مدرسه معماری «آکادمی هنرهای کاربردی وین» ثبت نام کرد و تا سال ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م که به ایران بازگشت، با بسیاری از معماران طراز اول اروپا در وین و پاریس کار کرد. در بازگشت به ایران رضاشاه از وی خواست که ریاست دفتر معماری بلدیة تهران را بر عهده گیرد. گذشته از چند خانه ویلایی که از او در تهران به یادگار مانده، کاخ دادگستری، ساختمان وزارت امور خارجه، ساختمان وزارت صنایع، آمفی تئاتر مدرسه نظام و ساختمان باشگاه افسران نیز از طراحی های او است.

گورکیان در سال ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م ایران را ترک کرد ولی علیرغم اقامت کوتاهش در ایران تأثیر بسیاری بر اشاعه معماری مدرن و هنر نو در ایران داشته است. او پس از ترک ایران در انگلستان، فرانسه و امریکا به حرفه معماری و تدریس آن پرداخت و از او در تاریخ معماری معاصر به عنوان شخصیتی جهانی نام برده می شود. وی در سال ۱۳۴۹ ش / ۱۹۷۰ م درگذشت.

پل آبکار دیگر معمار ایرانی ارمنی است که در سن ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م به دنیا آمد. نخست در مدرسه سن لوئی تهران تحصیل کرد و در سال ۱۳۰۴ ش / ۱۹۲۵ م برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از دوره دبیرستان در دانشگاه سن لوک بروکسل به تحصیل در رشته معماری پرداخت. در سال ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۴۸ ش / ۱۹۶۹ م که بازنشسته شد در سازمانهای دولتی عهده دار مشاغل فنی گردید. او ۷ سال رئیس دفتر فنی اداره گمرکات و ۱۷ سال رئیس دفتر فنی وزارت دارایی بود و سپس مسئولیت دفتر فنی شهربانی کل را عهده دار شد.

گذشته از خانه های بسیاری که در تهران طراحی کرده، مهمترین ساختمانهای عمومی او عبارتند از سینما نیاگارا، اولین ایستگاه رادیو (بی سیم)، ساختمان کلیسای آرامنه کاتولیک واقع در خیابان شمالی سفارت روسیه، مدرسه کر و لاله های باغچه بان، بسیاری از ساختمانهای پیشکاریها و

ادارات دارایی استانها و ساختمانهای گمرکات.

آبکار کاملاً به شیوه مدرن طراحی می‌کرده و در ساختمانهایش به لطافت و سلیقه از ترکیب آجر بهمنی با نوارهای سیمانی و صفحات سنگی استفاده کرده است. او در سال ۱۳۴۹ ش / ۱۹۷۰ م چشم از جهان فرو بست.

محسن فروغی فرزند ذکاءالملک فروغی، ادیب و دولت‌مرد نامدار اوایل قاجاریه و اوایل پهلوی، در ۱۲۸۶ ش / ۱۹۰۷ م در تهران به دنیا آمد. پس از اخذ دیپلم متوسطه در تهران به فرانسه رفت و در امتحان ورودی مدرسه بوزار پذیرفته شد و در ۱۳۱۶ ش / ۱۹۳۷ م بارتبه دوم به دریافت دیپلم معماری نائل گردید و به ایران بازگشت.

وی معماری بسیار پرکار بوده و ساختمانهای دولتی و عمومی متعددی را در سراسر ایران طراحی کرده است. برخی از این ساختمانها عبارتند از شعبه مرکزی بانک ملی در خیابان فردوسی، بانک ملی شعبه بازار، شعب مرکزی بانک ملی در تبریز، شیراز، آبادان، اصفهان، بانک مرکزی و ذخیره جواهرات، بیمارستانهای بانک ملی، بانک کشاورزی با همکاری مهندس صادق، دانشکده‌های حقوق و ادبیات دانشگاه تهران، ساختمان وزارت دارایی، ساختمان بیمه در خیابان سعدی، فروشگاه فردوسی (شهر و روستا)، بیمارستان رامسر، ایستگاه راه‌آهن مشهد (با همکاری بوتز)، آرامگاه رضاشاه در شهر ری، آرامگاه باباطاهر در همدان، هتل ابن سینا در همدان، فروغی یکی از بنیان‌گذاران و استادان دانشکده معماری دانشگاه تهران بود.

هرچند شیوه فروغی در معماری ساختمانهای عمومی و به خصوص بناهای دولتی، در ترکیب کلی آن به سبک مدرن است، ولی در ساختمانهای وی از حیث طراحی ورودی‌های شاخص و با شکوه، استفاده از ریتم ستونهای بلند و تمایل به تقارن در نماسازی اصلی‌گرایش‌هایی به مونومانالیزم دیده می‌شود که آن را به معماری پیش از مدرن نزدیک می‌کند. در طرحهای اخیرتر شیوه او به سبک مدرن بین‌المللی تمایل می‌یابد.

گذشته از این معماران که نامورتر بودند و از حیث تعداد ساختمانهای طراحی شده و مسئولیت اداری و فنی در پستهای اجرایی و آموزشی تأثیر بیشتری در معماری اوایل پهلوی نهادند، نام بعضی دیگر از معماران ایرانی و فرنگی را که یک یا چند ساختمان مهم دوره پهلوی اول را طراحی کرده‌اند می‌دانیم. از آن جمله‌اند هینریش آلمانی طراح ساختمان صندوق پس‌انداز بانک ملی و (احتمالاً) عمارت شهربانی، مسیو فرد از اهل رومانی طراح کافه شهرداری، علی خان مهندس که نظارت فنی اجرای ساختمان شهربانی را برعهده داشت و طرح او در مسابقه طراحی ساختمان ثبت اسناد و

املاک به علت «استیل شرقی» آن بر طرحهای دو مهندس ارمنی که یکی از آنان احتمالاً گورکیان بوده ترجیح داده شد، و ضمناً اولین ساختمان بیمارستان فیروزآبادی را طراحی کرد، مسیواگال طراح ساختمان پست کنار سردر باغ ملی (از مارکوف نیز به عنوان طراح این ساختمان نام برده شده است) و ساختمان بی سیم پهلوی، قلیچ باقلیان طراح ساختمان پست و تلگراف در جنوب میدان توپخانه، ساختمانهای میدان حسن آباد، شریفزاده قفقازی که معمار شهرداری بود و ساختمانهای متعددی در تهران طراحی کرد، فتح الله خان فردوس مهندس دیگر شهرداری، فیشر مهندس معماری از مجارستان که با شرکتی از چکسلواکی (احتمالاً شرکت اشکودا) همکاری می کرد و دیگرانی همچون مهندس کوثر، مهندس سموئیل، مهندس کردستانی، مهندس حسین جودت.

در اینجا شایسته است از استاد معماران سستی که در همکاری با مهندسان طراح تعدادی از بهترین بناهای تاریخی معماری معاصر ایران را ساختند ذکری به میان آید. شخصیت این معماران، به جهت نقش درجه اولی که در این دوره به مهندسان طراح داده شد در سایه نام آنان قرار گرفته و در منابع نوشتاری کمتر ذکری از ایشان به میان آمده است.

از این رو نامهایی که در اینجا آورده خواهد شد بیشتر متکی به گفتگویی منتشر شده با مرحوم منوچهر صانعی است، و همچنین بر اطلاعاتی که از ایشان در گفتگوی حضوری با نگارندگان کسب شده است. نامبرده فرزند استاد علی محمد خان معمارباشی، معروف به «بابا» و مشهور به معمار صانعی بوده است، که تعدادی از برجسته ترین ساختمانهای دوره مظفری و احمد شاهی در تهران، همچون منزل سردار اسعد بختیاری (اینک کتابخانه بانک ملی خیابان فردوسی)، خانه قوام السلطنه (اینک موزه آبگینه و بنیاد سینمایی فارابی)، عمارت صاحب اختیار در خیابان سعدی (عمارت آصف السلطنه دولو، منزل تاجرباشی روس در نبش خیابان قوام السلطنه و نادری که بعدها تبدیل به بیمارستان رضا نور شد، عمارت سردار محتشم بختیاری در باغشاه (واقع در اراضی دانشگاه جنگ)، از کارهای اوست.

نخستین ساختمان مهمی که پس از کودتای ۱۲۹۹ ش / ۱۹۲۱ م در تهران ساخته شد سردر میدان مشق (اینک به نام سردر باغ ملی) بود که معمار آن استاد محمد تقی معروف به معمار صادقی بوده است. پس از آن همین معمار سرپرستی کارهای بنایی عمارت بلدییه را که توسط مارکوف طراحی شده بود بر عهده گرفت.

استاد جعفرخان معمارباشی، به عنوان سازنده کاخ سبز سعدآباد و سردر کاخ مرمر و همچنین به عنوان همکار نزدیک مارکوف ذکر شده است. در ساختمان کاخ مرمر استاد جعفرخان نامبرده با

استاد معماری ارمنی به نام مسیولئون مشارکت داشتند. در بنای کاخ مرمر از نظر مشورتی استاد علی محمدخان (معمار صانعی) نیز بهره گرفته می‌شد. استاد اسکندرخان دیگر معمار ارمنی، سازنده عمارت مختارالسلطنه (اواخر دوره مظفری) و همکار معمار صانعی بوده است.

استاد رحیم ساختمانهای مدرسه فیروز بهرام و مدرسه انوشیروان دادگر، استاد حسینعلی ایزدمهر معمار ساختمان شهربانی، حاج عباسعلی معمارباشی سازنده موزه ایران باستان، استاد قربان سازنده ساختمان مجلس (پس از آتش سوزی ۱۳۱۰ ش / ۱۹۳۱ م) نام برده شده‌اند. در ساختمان بانک ملی نام دو استاد معمار، حاج حسین و معمار صانعی از دو منبع مختلف ذکر گردیده است.

حاج ابوالحسن معمار باشی، بانی و هم سازنده مسجدی به همین نام در خیابان آرامنه، کسی است که در ساختمان قسمتی از مسجد سپهسالار شرکت داشته، و در دوره پهلوی به عنوان یکی از اساتید معمر این فن از وی یاد شده است.